

نقش سیاسی و نظامی تنگه هرمز

دکتر محمدرضا حافظ نیا



حجم و سطح رقابتها مبین اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز است و اهمیت آن ناشی از وجود ارزشهایی است که خلیج فارس حامل آن می باشد، این ارزش ها بطور مشخص عبارتند از:

الف: ارزش و نقش ارتباطی بین سه قاره افریقا، اروپا و آسیا که در گذشته اهمیت بیشتری داشت و اکنون نیز بعنوان بخشی از یک سیستم حمل و نقل، بین اقیانوس های هند و کبیر و اطلس و دریای سرخ و مدیترانه بمنظور حمل نفت و کالا عمل می کند.

ب: ارزش انرژی زائی که بعنوان بزرگترین منبع نفت جهان دارای ذخایر ارزشمند و دوام داری است و ۶۵/۵ درصد ذخایر پرنفت شناخته شده جهان را در خود جای داده است، بعلاوه اینکه از ۲۷/۷٪ ذخایر گاز طبیعی جهان نیز برخوردار می باشد. نفت خلیج فارس دارای ویژگیهایی است که آن را از سایر حوضه های نفتی متمایز می کند که بطور مشخص می توان به موارد ذیل اشاره نمود.

- ۱- بازدهی چاه ها و تولید آن بالاست.
 - ۲- ذخیره چاه ها زیاد است بطوریکه هرچاه حدود ۲۵۰ هزار تن و در بعضی از آنها تا یک میلیون تن ذخیره نفت دارد در حالی که چاه های ونزوئلا حدود ۲۰ هزار تن و چاه های امریکا حدود ۶۰۰ تن ذخیره دارند.
 - ۳- هزینه تولید و ترابری نفت خلیج فارس نسبت به سایر جاها پایین تر است.
 - ۴- قیمت نفت خلیج فارس بویژه در مقایسه با نفت امریکا ارزان تر است.
 - ۵- بدلیل ذخایر بالا، طول عمر نفت خلیج فارس تا ۱۲۰ سال تخمین زده میشود.
- نفت بطور کلی بدلیل ارزشی و حمل و نقل آسان و انرژی زا بودن نسبت به سایر سوخت ها، و خواص فیزیکی آن که از مشخصات زیادی بویژه برای صنایع پتروشیمی برخوردار است، همچنان در صدر انرژی های جهان قرار داشته و در آینده نیز

ادامه دارد چرا که مهم ترین دالان ارتباط حوضه جغرافیائی خلیج فارس با دلیلیای خارج و بالعکس، تنگه هرمز می باشد. خلیج فارس در دوره معاصر نیز کانون رقابت قدرت های جهانی است، چه در دوره حاکمیت انگلستان بر خلیج فارس که رقابت بین انگلیس و روسیه و آلمان و فرانسه بر سر تسلط و کنترل بر تمامی یا بخشی از خلیج فارس وجود داشت و چه در حال حاضر که بین امریکا و شوروی رقابت برای نفوذ و کنترل بر خلیج فارس ادامه دارد و قدرت های محلی نظیر ایران، عراق و عربستان و هم چنین قدرت های نوظهور برون منطقه ای نظیر چین و ژاپن، در این عرصه کشمکش سعی بر ایجاد نفوذ و حفظ تسلط خود با بهره جویی از ابزارهای مختلف سیاسی- اقتصادی و حتی نظامی دارند.

مباحث اول: اهداف و استراتژی قدرت های جهانی در خلیج فارس و تنگه هرمز

خلیج فارس به لحاظ داشتن ارزش های خاص اقتصادی- ارتباطی- استراتژیکی و فرهنگی در طول تاریخ مورد توجه قدرت های بزرگ جهان بوده و تسلط بر آن منجر به تغییر موازنه قدرت بین دولت های قدرتمند می شده است. به تبع این اهمیت ویژه خلیج فارس، تنگه هرمز بعنوان دهانه آن اهمیت فوق العاده داشت بطوریکه قدرت حاکم بر خلیج فارس، سعی بر حفظ کنترل و تسلط خود بر تنگه هرمز می نمود، در واقع خلیج فارس و تنگه هرمز بصورت یک واحد جدائی ناپذیر دیده می شد. این اهمیت در طول تاریخ ادامه داشته و هنوز هم

خواهد داشت و بهمین دلیل انرژی های جایگزین تاکنون نتوانسته اند با نفت رقابت نمایند. اهمیت کلی نفت در میان سایر انرژیها و اینکه خلیج فارس پس از اتمام سایر حوضه های جهان کماکان از ذخیره نفت برخوردار خواهد بود، این منطقه را از اهمیت استراتژیکی و حیاتی بسیار بالائی برای جهان برخوردار می نماید.

ج: ارزش اقتصادی که در اثر درآمدهای حاصل از نفت ایجاد شده است. درآمدها و دلارهای ناشی از صدور و فروش نفت خام منطقه خلیج فارس را بصورت یکی از کانونهای ثروتمند جهان درآورده است. این ثروت همراه با جمعیت حدود یکصد میلیونی مصرف کننده، خلیج فارس را در کانون توجه صادرکنندگان اسلحه و کالاهای صنعتی و غیرصنعتی جهان قرار داده بطوریکه آن را بعنوان مرکز مصرف تولیدات خود تلقی می نمایند. در حال حاضر کشورهای ژاپن، امریکا، کاتادا، چین، آلمان غربی، انگلیس، فرانسه، هلند و اخیراً شوروی و کشورهای سوسیالیستی بیشترین رابطه تجاری و اقتصادی را با منطقه خلیج فارس دارند.

د: ارزش ژئوپلیسیکی که از موقعیت جغرافیائی خلیج فارس در جهان ناشی میشود، خلیج فارس و تنگه هرمز مطابق نظریات ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی جهانی در بخش مرکزی منطقه حاشیه قرار گرفته و سطح تماس دو قدرت بزرگ و بحری را تشکیل می دهد.

تنگه هرمز در منطقه حاشیه، از موقعیت مرکزی برخوردار است یعنی بخش شرقی و غربی و جنوبی و شمالی ریملند را به هم پیوند می دهد و کنترل آن به معنی کنترل چهاربخش یادشده خواهد بود.

۶- ارزش فرهنگی، که از قرارداد داشتن مرکزیت ظهور دین مبین اسلام و قبله مسلمانان در این منطقه ناشی می شود کنترل و نفوذ بر این مرکزیت بمعنی کنترل و نفوذبخش وسیعی از کره زمین، از غرب آفریقا تا شرق آسیا که دارای

ارزش های اقتصادی- ارتباطی و استراتژیکی خاصی است می باشد نتیجه کنترل این مرکزیت بستگی به قدرت کنترل کننده دارد، اگر این مرکزیت در کنترل قدرتی اسلامی و محلی نظیر جمهوری اسلامی ایران که مبین و پیشرو اندیشه اصیل اسلامی در جهان کنونی است باشد منجر به استقلال و آزادی و اتحاد جهان اسلام و رهائی از کنترل دو ابرقدرت امریکا و شوروی و ظهور قدرتی جدید با قابلیت ها و امکانات تعیین کننده در جهان می شود و اگر در کنترل یکی از قدرتهای استعماری نظیر انگلستان و امریکا باشد به آنها قدرت کنترل جهان اسلام را می دهد کما اینکه در زمانی که انگلستان کنترل عربستان را به عهده داشت ایدئولوژی انحرافی جدیدی بنام وهابیت که به اسلام منتسب نمودند سر برداشت و حاکم بر قطب اسلام یعنی مکه شد. سپس با پرورش و تسویج آن در دوره حاکمیت انگلستان و بعداً امریکا و با کمک درآمدهای هنگفت نفت، بر حفظ موقعیت رهبری برای وهابیت و آل سعود در جهان اسلام تأکید شد تا از طریق کنترل ایدئولوژیکی و عقیدتی و فکری مسلمانان، کنترل سیاسی جهان اسلام برای منافع قدرت حاکم یعنی امریکا فراهم آید این همان چیزی است که در دوران حاکمیت انگلستان و امروز در دوران حاکمیت امریکا شاهد آن هستیم و حکام عربستان در هر دوره در کنترل قدرت حاکم بوده و بعنوان کارگزار و اهرم اجرایی سیاست های انگلیس و امریکا مورد استفاده قرار گرفته و می گیرند.

مجموعه این ارزشهاست که قدرت های جهانی را در گذشته و امروز متوجه خلیج فارس نموده است، زیرا تسلط بر تمام یا هریک از ارزش های مزبور، موازنه استراتژیکی و موازنه قدرت را در جهان تغییر می دهد و این اهمیت از سوی رهبران سیاسی و یا صاحب نظران مسائل استراتژیکی دقیقاً درک شده است که برای نمونه به موارد ذیل می توان اشاره نمود:

لرد کروزن وزیر خارجه وقت انگلستان گفت: «متحدین شناور بر موجی از نفت به پیروزی رسیدند».

کلماسون نخست وزیر فرانسه در جنگ اول جهانی: «ارزش یک قطره نفت مساوی با ارزش یک قطره خون است».

مارشال فوش سردار معروف فرانسه در جنگ اول: «ما باید نفت داشته باشیم وگرنه جنگ را خواهیم باخت».

ریچارد نیکسون رئیس جمهوری سابق آمریکا در کتاب «جنگ واقعی- صلح واقعی» می نویسد: «خاورمیانه از دیرباز چهارراه آسیا، آفریقا و اروپا بوده است، اکنون نفت خون صنعت مدرن است، در منطقه، خلیج فارس قلبی است که این خون را مانند تلمبه به جریان می اندازد و راه های دریائی پیرامون خلیج فارس شریان هائی هستند که این خون حیاتی از آنها می گذرد».

سران هفت کشور صنعتی جهان: «تا پنجاه سال آینده خلیج فارس عمق استراتژیکی غرب است».

دیوید نیوسام معاون سیاسی پیشین وزارت خارجه امریکا:

«اگر جهان دایره ای باشد که بخواهیم مراکز آن را بیابیم بخوبی می توان توجه کرد که این منطقه خلیج فارس می باشد».

در این مبحث تلاش می شود اهداف و استراتژی قدرت های کنونی جهان در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز که بطور مشخص امریکا و شوروی هستند تبیین گردد ولی قبل از پرداختن به آن، نظری اجمالی به قدرت جهانی قبل از آنها در منطقه خلیج فارس ضروری بنظر می رسد، زیرا حاکمیت کنونی قدرت امریکا در منطقه بی ارتباط با قدرت گذشته در منطقه نیست و به عبارتی قدرت حاکم کنونی به نوعی استمرار قدرت حاکم گذشته می باشد.

ادامه دارد